

کیفیت حسابرسی و ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام

نظام الدین رحیمیان *

محمد تقی تقوی فرد **

سپیده جوادی صوفیانی ***

چکیده

نقش اصلی گزارشگری مالی، انتقال اثربخش اطلاعات مالی به افراد برون سازمانی به روشی معتبر و به موقع است. برای انجام این مهم، مدیران از فرصت‌هایی برای قضاوت در گزارشگری مالی برخوردار شده‌اند. هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر انگیزه‌های مرتبط با تغییر ارقام تعهدی در شرکت‌های با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام است. برای انجام این پژوهش، نمونه‌ای متشکل از ۱۸۴ شرکت در طی دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفت. در فرایند پژوهش، از نسبت قیمت بازار به سود قبل از ارقام غیر مترقبه و عملیات متوقف شده، به عنوان معیار ارزش گذاری بیش از حد سهام و برای بررسی تاثیر ارزش گذاری بیش از حد بر مدیریت سود واقعی، از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که بین اندازه موسسه حسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌های با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، رابطه معنا داری وجود ندارد. همچنین نتایج آزمون فرضیه دوم حاکی از این است که بین دوره تصدی حسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌های با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، رابطه معنا داری وجود دارد و انگیزه‌های مربوط به تغییر ارقام تعهدی در شرکت‌های با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان در مدیران شرکت‌ها کاهش می‌یابد.

واژگان کلیدی: کیفیت حسابرسی، ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، مدیریت سود

* استادیار گروه حسابرسی موسسه آموزش عالی خاتم (نویسنده مسئول) norahimian@yahoo.com

** دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

*** کارشناس ارشد حسابرسی، موسسه آموزش عالی خاتم

مقدمه

نقش اصلی گزارشگری مالی، انتقال اثربخش اطلاعات مالی به افراد برون سازمانی به روشی معتبر و به موقع است (هیأت استانداردهای حسابداری مالی^۱، ۱۹۸۴). برای انجام این مهم، مدیران از فرصت‌هایی برای قضاوت در گزارشگری مالی برخوردار شده‌اند. مدیران می‌توانند از دانش خود درباره فعالیت‌های کسب و کار برای بهبود اثر بخشی صورتهای مالی به عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بالقوه استفاده نمایند (حدادی و همکاران، ۱۳۹۱).

دستیابی به کیفیت گزارشگری مالی منوط به صحت و درستی هریک از حلقه‌های زنجیره گزارشگری مالی است. حسابرسی مستقل، یکی از این زنجیره‌هاست که نقش عمده‌ای را در حمایت از کیفیت گزارشگری مالی در بازار سرمایه ایفا می‌کند. حسابرسی مستقل، بخش مهم نظارت و بازرسی زیربنایی سازمانی و فعالیت مبتنی بر منافع عمومی است که اطمینان می‌بخشد اطلاعات گزارش‌های مالی بنحو منصفانه و مطلوب ارائه گردیده است (جنسن و مک‌لینگ^۲، ۱۹۷۶).

کیفیت حسابرسی، مهمترین موضوع برای تدوین کنندگان استانداردهای حسابرسی است. استانداردهای حسابرسی پایه و اساسی به منظور حمایت از حسابرسی با کیفیت بالا ایجاد می‌کنند. موسسات حسابرسی باید به دلیل تغییرات مستمر در محیط کسب و کار، استانداردها، مقررات، فناوری و محیط کار، طی فرایندی مستمر به بهبود کیفیت حسابرسی پردازند. از این رو، کیفیت حسابرسی فرایندی است که اطمینان می‌دهد با بهبود عوامل کیفیت حسابرسی در محیط انجام حسابرسی‌ها، کیفیت حسابرسی‌ها نیز بهبود می‌یابد (اسدی و دارابی، ۱۳۹۱).

گاهی قیمت سهام در بازار، انعکاس دقیقی از اطلاعات موجود نیست و این امکان وجود دارد که بازار در مواجهه با اطلاعات منطقی عمل نکند و به تبع آن ارزش ذاتی شرکتها با قیمت سهام در بازار متفاوت باشد.

در شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان که ممکن است مدیریت انگیزه بالاتری برای دستکاری و مدیریت سود داشته باشد، کیفیت حسابرسی می‌تواند کاهش یابد (هومس و همکاران^۳، ۲۰۱۳).

1. Financial Accounting Standard Board (FASB)
2. Jensen & Mckling
3. Houmes et al

بیان مسئله و اهمیت موضوع

در شرکت‌هایی که حقوق صاحبان سهام آنها بالا ارزش گذاری می شود، مدیران انگیزه زیادی برای گزارش سود به گونه ای دارند که باعث افزایش قیمت بازار سهام می شود و در شرکت‌هایی که در پایان سال گذشته بالا ارزش گذاری شده اند، مدیران علاقه مند به حفظ قیمت ها مجبورند در خصوص مدیریت سود شرکت، چاره اندیشی نمایند و در اکثر موارد، مدیران شرکتها به تغییر اقلام تعهدی اختیاری صورتهای مالی می پردازند (هومس و همکاران، ۲۰۱۳).

حرفه حسابرسی با ایفای نقش اعتبار بخشی و کاهش ریسک ارائه نادرست اطلاعات، موجب ایجاد ارزش افزوده در گزارش های مالی ارائه شده می شود. کاهش سطح مخاطره سرمایه گذاری و اعطای اعتبار، موجب کاهش سطح سود مورد انتظار و در نتیجه رونق بیشتر سرمایه گذاری می شود (والاس^۱، ۱۹۸۵).

حسابرسان به منظور حفظ اعتبار و شهرت حرفه ای خود و اجتناب از دعوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. محققان شواهدی را فراهم نموده اند که حسابرسی موجب کاهش تضاد نمایندگی و احتمال بروز عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران و مدیران می شود (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶).

پژوهش های پیشین در مورد کیفیت حسابرسی، نشانگر وجود معیارهای مختلفی برای کیفیت حسابرسی است که از این میان، دو معیار اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس، از اهمیت زیادی برخوردار هستند (حساس یگانه و آذین فر، ۱۳۸۹؛ مهرانی و همکاران، ۱۳۹۲).

طبق نظریه تقاضا برای کیفیت حسابرسی، بین مدیران شرکت و سرمایه گذاران، تضاد نمایندگی وجود دارد. هنگامی که هزینه های نمایندگی به دلیل عدم تمرکز مالکیت و عدم وجود نظارت مؤثر توسط مالکان افزایش می یابد، تقاضا برای حسابرسی های با کیفیت بالاتر، افزایش می یابد (ازیبی و همکاران^۲، ۲۰۱۰).

بنابراین، زمانی که مدیران شرکت‌های با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، اطلاعات بهتری از عملکرد اقتصادی شرکت خود دارند، تمایل دارند تا تحریفات و

اشتباهات صورتهای مالی طبق میل آنان تایید شود و تنها موضوعاتی توسط حسابرسان مورد اعتراض واقع شود که مخالف خواسته آنان می باشد (هومس و همکاران، ۲۰۱۳).

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

از آنجایی که شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، به خاطر بزرگ نمایی ارزش شرکت، فاقد قابلیت های عملیاتی برای دستیابی به سطوح عملکرد خود برای اثرگذاری بر سود هستند، مدیران این گونه شرکتهای تحریک می شوند تا برای حداکثر کردن سود، صورت های مالی نادرست گزارش دهند. در این مورد، اگر چه گزینه های متعددی برای رسیدن به اهداف مدیریت سود شرکتهای وجود دارد اما معمولاً برای مدیران اقلام تعهدی انتخاب جذابی هستند چون همواره مبالغ این اقلام حاصل برآورد هایی است که توسط مدیران صورت می گیرد (هومس و همکاران، ۲۰۱۳).

ارزش خدمات حسابرسی، زمانی بیشتر مشخص می شود که شرکتهای انگیزه و فرصت کافی برای مدیریت سود دارند، زیرا حسابرس، هموار سازی سود و اعمال نظر فرصت طلبانه مدیریت در صورت های مالی را کاهش می دهد. بنابراین، اثر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود با انگیزه های مدیران شرکت ها برای ارتقای عملکرد حسابداری متفاوت است. در شرکتهای انگیزه های قوی تر برای مدیریت سود، اهمیت حسابرسی را به عنوان ابزار کنترل در نظام راهبری شرکتهای قوی، دو چندان کرده است (چن و همکاران^۱، ۲۰۱۰). حسابرسی به عنوان جزء مهمی از اصول راهبری شرکتهای می تواند ابزار کنترل-کننده ای محسوب شود که انگیزه های مدیریت را برای دستکاری کردن سود محدود می کند. در نتیجه، انتظار می رود در جایی کیفیت حسابرسی بالا رود که حتی فرصت کمی برای مدیریت سود وجود دارد (یونیارتی^۲، ۲۰۱۱).

این پژوهش، با توجه به اهمیت حسابرسی مستقل در کیفیت گزارشگری مالی، به بررسی رابطه معیارهای کیفیت حسابرسی از جمله دوره تصدی حسابرسان و اندازه موسسات حسابرسی در شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام می پردازد.

مبانی نظری تحقیق

کیفیت حسابرسی

رویدادهای جهانی و از جمله بحران های اقتصادی منجر به پررنگ تر شدن نقش اساسی گزارشهای مالی قابل اعتماد و باکیفیت شده است. دستیابی به کیفیت گزارشگری مالی منوط به صحت و درستی هر یک از حلقه های زنجیره گزارشگری مالی است. حسابرسی مستقل، از حلقه هایی است که نقش عمده ای را در حمایت از کیفیت گزارشگری مالی در سراسر دنیا در بازارهای سرمایه ایفا می کند. از دیدگاه نظری نمایندگی، این موضوع، نقش مهمی را در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاستن مسائل نمایندگی بین مدیریت و مالکان و همچنین سهامداران اکثریت و اقلیت بازی می کند (جنسن و مک لینگ، ۱۹۷۶).

ارزش اطلاعات حسابداری، تابعی از اعتبار آن است و هدف حسابرسی این است که کیفیت گزارشگری مالی بالا رود. مطالعات پیشین جایگزین های تجربی متعددی را برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی شامل اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص صنعت حسابرسی و مدت رابطه حسابررس - مشتری فراهم کرده اند (هومس و همکاران، ۲۰۱۳).

دی آنجلو^۱ (۱۹۸۱)، کیفیت حسابرسی را "استنباط بازار از احتمال توانایی حسابررس در کشف و گزارش تخلف در سیستم حسابداری صاحبکار" تعریف کرده است. تعاریف زیادی از کیفیت حسابرسی وجود دارد که به رغم تفاوت، از ساختاری مشابه پیروی می کنند. به عنوان نمونه، والاس (۱۹۸۰)، کیفیت حسابرسی را "کاهش ناخالصی ها و بهبود درجه خلوص داده های حسابداری" می داند. بیانیه مفاهیم اساسی حسابرسی منتشر شده توسط انجمن حسابداری آمریکا^۲ در سال ۱۹۷۳، کیفیت حسابرسی را "توانایی حسابررس در اجرای کنترل بر کیفیت اطلاعات تهیه شده به وسیله اطمینان از رعایت اصول پذیرفته شده حسابداری"، تعریف کرده است.

توانایی حسابررس، موضوعی مهم در کیفیت حسابرسی است که از دیدگاه های مختلفی تفسیر شده و به طور گسترده ای با عوامل داخلی و خارجی، خصوصیات حسابرسان (مانند تجربه، شایستگی، رعایت اخلاق و...)، مستقل بودن حسابرسان (استقلال از کارفرما، رقابت در بازار و...) و محیط قانون گذاری (تعویض اجباری، خدمات حسابرسی و غیر حسابرسی و...) در ارتباط است. با توجه به چند بعدی بودن کیفیت حسابرسی، مشخص نیست که از

1. DeAngelo

2. American Accounting Association (AAA)

بین عوامل ذکر شده، کدامیک در تعیین توانایی حسابرسان موثرتر بوده و بنابراین نمی‌توان کیفیت حسابرسی را به‌طور مستقیم مشاهده و اندازه‌گیری نمود (اسدی و دارابی، ۱۳۹۱).

حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا

طبق تعریف جنسن^۱ (۲۰۰۵)، "زمانی حقوق صاحبان سهام بیش ارزش گذاری می‌شود که قیمت سهام شرکت از ارزش ذاتی آن بالاتر است و شرکت نمی‌تواند عملکردی در خور توجه ارزش خود ارائه کند." طبق ادبیات نظریه نمایندگی در شرکتها، زمانی رابطه نمایندگی به وجود می‌آید که یک یا چند نفر (عاملان اصلی مانند سهامداران شرکت)، یک یا چند نفر دیگر (نمایندگان مانند مدیران شرکت) را برای انجام کاری استخدام می‌کنند. البته، نمایندگان همیشه به نفع کارفرمایان خود عمل نمی‌کنند و تلاش برای مدیریت منافع متضاد هر دو طرف در رابطه نمایندگی، هزینه‌هایی تولید می‌کند. اثر هر دوی این عوامل، تخریب کردن ارزش است و برای کم کردن هزینه‌های کاهش ارزش به انگیزه و سیستم‌های حاکمیت خوب نیاز است.

بررسی پیشینه تاریخی ارزش گذاری شرکتها نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از بیش ارزش گذاری حقوق صاحبان سهام اتفاق افتاده در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰، اشتباهی غیر قابل درک بوده است. جامعه اغلب برای موضوعات جدید مانند فناوری پیشرفته، ارتباطات راه دور و اینترنت، ارزش بیش از حد واقعی قائل می‌شود. البته این بیش ارزش گذاری، نتیجه داده‌ها و اطلاعات گمراه‌کننده مدیران، چون تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران بی‌تجربه در بازارهای سرمایه و ناکارآمدی و تخریب روابط نمایندگی در شرکتها، از جمله بانک‌های سرمایه‌گذاری، تجاری، موسسات حقوقی و حسابرسی بوده که بیشتر آنها آگاهانه در انتشار اطلاعات غلط و دستکاری اطلاعاتی نقش داشتند که وارد فرایند بیش ارزش گذاری شرکتها شده است (جنسن، ۲۰۰۵).

مدیریت سود

از اهداف گزارشگری مالی، ارائه اطلاعاتی است که برای سرمایه‌گذاران، اعتبار دهندگان و دیگر کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری، اعتباردهی و

سایر تصمیم‌ها، سودمند باشد. سودهای جاری و گذشته شرکت، از معیارهای مهمی است که گروه‌های مزبور برای برآورد قدرت سودآوری شرکت، پیش‌بینی سودهای آینده و ریسک‌های مربوط به آن و همچنین ارزیابی عملکرد مدیریت استفاده می‌کنند (سجادی و عربی، ۱۳۹۰).

برخی از پژوهشگران به بررسی ابزارهای مدیریت سود پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد دستکاری در مخارج اختیاری از قبیل مخارج تحقیق و توسعه و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش، از روش‌های معمول اعمال مدیریت سود است (پری و گرنیکر^۱، ۱۹۹۴).

دی آنجلو (۱۹۸۱) در پژوهش‌های خود نشان داد که اگر شرکت توسط موسسات خوشنام و بزرگ، حسابرسی شده باشد، کیفیت اطلاعات و حسابرسی آن بهتر است. در شرکتها با بزرگتر شدن اندازه آنها، احتمال وجود شاخص ساختگی سود، افزایش می‌یابد (بارتون و سیمکو^۲، ۲۰۰۲؛ فرانکل و همکاران^۳، ۲۰۰۲؛ ماتسوموتو^۴، ۲۰۰۲). شرکت‌های بزرگتر به دلیل پاسخگویی به افراد و مراجع بیشتر، حساسیت سیاسی بالاتر، سازوکارهای کنترلی دقیق‌تر، انگیزه بیشتری برای مدیریت سود و هموارسازی آن دارند و متقابلاً، شرکت‌های کوچکتر به خاطر اثر کمتر موارد ذکر شده، انگیزه کمتری برای مدیریت سود دارند (واتس و زیمرمن^۵، ۱۹۸۶).

ادبیات و پیشینه تحقیق

تحقیقات خارجی

هومس و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهش خود، رابطه کیفیت حسابرسی و ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام را بررسی نمودند. در این پژوهش، از اندازه موسسات حسابرسی، دوره تصدی حسابرس با صاحبکار و موسسات حسابرسی مربوط به صنعت خاص، به عنوان معیار کیفیت حسابرسی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که موسسات حسابرسی بزرگ با کیفیت بالا، همچنان امتیاز کیفیت حسابرسی خود را نسبت به سایر حسابرسان در شرکتهای با ارزش گذاری بالا حفظ می‌کنند ولی دوره

1. Perry and Grinaker
2. Barton and Simko
3. Frankel et al
4. Matsumoto
5. Wats and Zimmerman

تصدی حسابرس و موسسات حسابرسی مربوط به صنعت خاص، دارای رابطه مهم و معناداری با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام نمی باشد.

هومس و اسکانتز^۱ (۲۰۱۰)، در پژوهش خود، شواهدی مبنی بر افزایش رابطه معکوس میان جریان نقدی عملیاتی و ارقام تعهدی در شرکتهای با ارزش گذاری بالا، ارائه می دهند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که انگیزه های مدیریت سود، زمانی افزایش می یابد که جریان نقدی عملیاتی ضعیف باشد.

چی و گوپتا^۲ (۲۰۰۹)، گزارش کردند در شرکتهای دارای ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، رابطه بازده غیر عادی سال بعد منفی بوده و در نتیجه، در سال مالی بعد، بازده غیر عادی شرکتهای دارای ارقام تعهدی بیشتری، کمتر از بازده شرکتهایی با ارقام تعهدی اختیاری کمتر است. در این پژوهش، ارقام تعهدی اختیاری نماینده مدیریت سود به کار گرفته شده است.

فنگ و لیو^۳ (۲۰۱۲) رابطه بین انتخاب حسابرس و کیفیت سود را در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار هنگ کنگ مورد مطالعه قرار دادند. این بررسی نشان داد شرکتهایی که حسابرس آنها یکی از چهار موسسه بزرگ حسابرسی هستند، کیفیت سود بالاتری در مقایسه با سایر شرکتهای دارند و شرکتهایی که توسط موسسات حسابرسی کوچک حسابرسی می شوند سود خود را کمتر از واقع گزارش می کنند.

مایرز و همکاران^۴ (۲۰۰۳) در پژوهش خود، ۲۵۵ شرکت را در طول سال های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که با طولانی شدن دوره همکاری حسابرس و صاحبکار، پراکندگی در توزیع ارقام تعهدی اختیاری کاهش می یابد. به عبارت دیگر، رابطه طولانی مدت حسابرس و صاحبکار می تواند باعث کاهش دستکاری ارقام تعهدی توسط مدیریت شود.

تحقیقات داخلی

ایزدی نیا و میرزایی (۱۳۹۴) در پژوهشی تأثیر ارزش گذاری بالای سهام بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری را در دوره هفت ساله از سال ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۲ در ۱۵۳

1. Houmes and Skantz
2. Chi and Gupta
3. Feng and Liu
4. Myers et al

شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند. نتایج حاصل این پژوهش نشان می‌دهد که اثر تعاملی ارزش گذاری بالای سهام و معیارهای کیفیت حسابرسی مثبت و معنی‌دار است و میزان اثر منفی کیفیت حسابرسی بر ارقام تعهدی در بین شرکت‌های با ارزش بالای سهام کاهش می‌یابد و حسابرسان با کیفیت حسابرسی بالا، میزان ارقام تعهدی اختیاری در شرکت‌های با ارزش گذاری بالا را کاهش نمی‌دهند.

بنی مهد و جعفری معافی (۱۳۹۲) در پژوهش خود، رابطه بین کیفیت ارقام تعهدی و انتخاب حسابرسان در دوره ۵ ساله از سال ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۰ را در ۱۱۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند. نتایج حاصل این پژوهش نشان می‌دهد که اندازه صاحبکار، تغییر مدیریت و کیفیت ارقام تعهدی بر انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرسان موثر است. اما رابطه معنی‌داری بین نسبت اهرمی، سودآوری و گزارش زیان توسط شرکت مورد رسیدگی با انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی وجود ندارد.

ودیدی و عظیمی فر (۱۳۹۱) در پژوهشی رابطه ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام و ارقام تعهدی اختیاری در ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش بیانگر آن است که شرکت‌های بالا ارزش گذاری شده در مقایسه با شرکت‌های با ارزش گذاری پایین، ارقام تعهدی اختیاری بیشتری را در سال جاری خود گزارش می‌کنند و همچنین جریان وجوه نقد عملیاتی و ارقام تعهدی اختیاری دارای رابطه معکوس می‌باشند.

دیدار و همکاران (۱۳۹۱) اثر مستقیم مشکلات نمایندگی بر کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران را طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۹ بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، برای سنجش کیفیت گزارشگری مالی از معیار کیفیت ارقام تعهدی و از دوره تصدی حسابرسان به عنوان معیار کیفیت حسابرسی در شرکت استفاده شده است. یافته‌های پژوهش، بیانگر آن است که جریان وجوه نقد آزاد، دارای ارتباط منفی و معنی‌دار و اهرم مالی و درصد مالکیت اعضای هیئت مدیره دارای رابطه مثبت و معنی‌دار، با کیفیت گزارشگری مالی هستند.

سجادی و همکاران (۱۳۹۱) تاثیر تداوم انتخاب حسابرسان بر کیفیت حسابرسی را بررسی نمودند. به همین منظور، از دو معیار ارقام تعهدی جاری و اختیاری برای نشان دادن کیفیت حسابرسی استفاده کرده‌اند. در این پژوهش، داده‌های مربوط به ۷۲ شرکت برای

دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ به صورت ترکیبی و با استفاده از مدل رگرسیون تلفیقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج نشان داد که تداوم انتخاب حسابرس، تاثیر معناداری بر کیفیت حسابرسی ندارد.

حدادی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش، مدیریت سود با استفاده از مدل تعدیل شده جونز، اندازه گیری شده است. وجوه نقد عملیاتی از صورت های مالی شرکتها استخراج و با استفاده از روش نمونه گیری حذفی، ۷۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸ انتخاب و برای آزمون فرضیه های پژوهش از آزمون رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی، رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین بین مدیریت سود و دوره تصدی حسابرس (دوره تداوم حسابرس) و بین مدیریت سود و تجربه حسابرس، نیز رابطه معنی داری وجود دارد. ابراهیمی و سیدی (۱۳۸۷) در پژوهش خود در ۷۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی تاثیر نوع موسسه حسابرسی (سازمان حسابرسی و سایر موسسات حسابرسی) و نوع اظهار نظر حسابرسی در گزارش حسابرسی بر روی اقلام تعهدی اختیاری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تنها نوع موسسه حسابرسی با اقلام تعهدی اختیاری، ارتباط دارد.

پرسشهای پژوهش

باتوجه به مبانی نظری، موضوعات نوشته شده در پیشینه پژوهش، بیان و تشریح موضوع و اهمیت و ضرورت انجام پژوهش، این پژوهش، در جستجوی پاسخگویی به این پرسشها می باشد که آیا در بورس اوراق بهادار تهران در شرکتهای دارای حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا مدیریت سود انجام می شود و آیا معیارهای کیفیت حسابرسی بر اقلام تعهدی اختیاری شرکتها تاثیر می گذارد؟

فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: اگر مشتریان دارای ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام باشند، اندازه رابطه معکوس میان ارقام تعهدی اختیاری مشتریان موسسات حسابرسی بزرگ و سایر موسسات حسابرسی، کاهش می یابد.

فرضیه دوم: اگر مشتریان دارای ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام باشند، اندازه رابطه معکوس میان ارقام تعهدی اختیاری مشتریان در موسسات حسابرسی با دوره تصدی طولانی تر و ارقام تعهدی اختیاری مشتریان با دوره تصدی کوتاه تر، کاهش می یابد. مدل مفهومی پژوهش و متغیرهای آن

در این پژوهش، از مدل جونز تعدیل شده برای برآورد مقطعی ارقام تعهدی اختیاری استفاده شده است (بکر و دیگران^۱، ۱۹۹۸، رینولدز و فرانسیس^۲، ۲۰۰۰).

$$TAC_{it} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{AT_{it-1}} \right) + \beta_2 (\Delta REV_{it} - \Delta AR_{it}) + \beta_3 PPE_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{(معادله ۱)}$$

ام، t در سال i: مجموع ارقام تعهدی شرکت TAC_{it}

ام، t در شروع سال i: مجموع دارایی های شرکت AT_{it-1}

ΔREV_{it} : تغییرات فروش شرکت i در سال t ام،

ΔAR_{it} : تغییرات حسابهای دریافتی تجاری در سال t نسبت به سال t-1 ام،

PPE_{it} : خالص دارایی های ثابت مشهود شرکت i در سال t ام،

ε : اثرات نامشخص عوامل تصادفی i در سال t ام.

مدل های زیر برای آزمون فرضیه هایی استفاده می شود که در آن انگیزه های مربوط به ارزشیابی بالای حقوق صاحبان سهام باعث کاهش تمایل موسسات حسابرسی با کیفیت بالا به محدود کردن ارقام تعهدی می شود (هومس و همکاران، ۲۰۱۳).

(معادله ۲)

$$TAC_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 LnASSET_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 OCF_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \alpha_6 BIG_{it-1} + \alpha_7 HV_{it-1} + \alpha_8 BIG * HV_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad \text{(معادله ۳)}$$

$$TAC_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 LnASSET_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 OCF_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \alpha_6 TEN_{it-1} + \alpha_7 HV_{it-1} + \alpha_8 TEN * HV_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

$LnASSET_{it}$ = لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های سال مالی t ام در شرکت i ام،
 LEV_{it} = بدهی های بلندمدت سال مالی t ام تقسیم بر مجموع دارایی های سال مالی $t-1$ ام در شرکت i ام،
 OCF_{it} = جریان های نقدی فعالیت های عملیاتی سال مالی t ام تقسیم بر مجموع دارایی های سال مالی $t-1$ ام در شرکت i ام،
 ROA_{it} = سود قبل از ارقام غیر مترقبه سال مالی t ام تقسیم بر مجموع دارایی های سال مالی $t-1$ ام در شرکت i ام،
 HV_{it} = در شرکتهایی برابر با ۱ است که در بالاترین پنجهک نسبت قیمت بر سود سال مالی $t-1$ قرار دارند.
 BIG_{it} = اگر حسابرس شرکت در پایان سال مالی $t-1$ ، از موسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار گروه الف باشد، برابر با ۱، در غیر این صورت صفر.
 TEN_{it} = اگر در پایان سال مالی $t-1$ دوره تصدی حسابرس شرکت ۴ سال باشد، برابر با ۱ است در غیر این صورت، صفر.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

در مدل این پژوهش، متغیر وابسته، ارقام تعهدی اختیاری است و درصد تغییرات این متغیر نسبت به تغییرات نوع حسابرس (اندازه موسسات حسابرسی) و دوره تصدی حسابرس در شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، آزمون خواهد شد.

متغیر مستقل

ارزش گذاری شرکتهای، بر اساس دو مبنا انجام می شود. مبنای اول، الگوی ارزش گذاری مبتنی بر بازار سرمایه است که با استفاده از اطلاعات بازار، در پی تعیین ارزش شرکت و سهام آن صورت می گیرد. مبنای دوم الگوی ارزش گذاری بر پایه داده های حسابداری بنا نهاده شده و در پی تعیین ارزش شرکت با استفاده از اطلاعات حسابداری موجود در صورت های مالی است (کریمی پور، ۱۳۸۸).

در این پژوهش، شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، به عنوان متغیر مستقل تعیین شده اند که به این منظور مبنای مورد نظر برای ارزش گذاری حقوق صاحبان

سهام، نسبت قیمت بازار سهام شرکت در پایان سال به سود قبل از ارقام غیرمترقبه و عملیات متوقف شده است. بنابراین شرکت هایی که در پایان سال گذشته دارای نسبت قیمت به سود بالایی باشند، در گروه شرکت های با ارزش بالا، طبقه بندی می شوند (هومس و همکاران، ۲۰۱۳).

متغیرهای کنترل:

بعضی شرکتها، نسبت به شرکتهای دیگر ممکن است ارقام تعهدی بیشتری داشته باشند. علاوه بر این، طبیعی است که شرکتها با افزایش سود و سرمایه گذاری های بیشتر، ارقام تعهدی بیشتری را ایجاد می کنند. مطالعات پیشین نشان می دهد که شرکتها در حال رشد، ارقام تعهدی بالاتری را گزارش می کنند (مک نیکلز، ۲۰۰۰).

رینولدز و فرانسیز (۲۰۰۰)، شواهدی ارائه می کنند که نشان می دهد روند مدیریت سود با افزایش اهرم مالی، افزایش می یابد. البته بدهی می تواند مانند ساز و کار نظارتی عمل کند تا مدیریت، درآمد را محدود کند. برای کنترل اثر سطوح بالای بدهی بر ارقام تعهدی، بدهی بلندمدت با مجموع دارایی های اندازه گیری شده، در مدل قرار خواهد گرفت. جریان نقدی عملیاتی، مولفه هایی از درآمدها هستند و سطوح آنها تناظر معکوس با ارقام تعهدی دارند. علاوه بر این، سطح جریان نقدی بر توانایی یا نیاز استفاده از ارقام تعهدی اثر دارد و باعث می شود شرکتهای دارای جریان نقدی عملیاتی بالاتر (پایین تر)، ارقام تعهدی اختیاری پایین تر (بالا تر) را گزارش کنند (هومس و همکاران، ۲۰۱۳).

روش پژوهش

روش اجرایی این پژوهش به صورت میدانی است. این پژوهش، از نوع کاربردی-پیمایشی می باشد و از نظر شیوه جمع آوری داده ها، پژوهش توصیفی از نوع تحلیل رگرسیون است و که نتایج آن می تواند برای طیف گسترده ای از سرمایه گذاران و تحلیل گران مفید باشد. در پژوهش حاضر، برای آزمون فرضیه ها از مدل رگرسیونی چند متغیره استفاده شده است. در این پژوهش، نمونه انتخابی شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۲ است که از ویژگی های زیر برخوردارند:

- ۱- سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - ۲- شرکت ها، عضو صنایع واسطه گری مالی و بانک ها نباشند.
 - ۳- شرکت ها، حداقل از ابتدای سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 - ۴- معاملات شرکت ها نباید طی دوره پژوهش به طور کامل متوقف شده باشند.
- برای جمع بندی و محاسبات مورد نیاز از نرم افزار اکسل استفاده خواهد شد و نتایج آن از آنجایی که مدل داده های پژوهش و مشاهدات به شکل شرکت - سال می باشد، از نرم افزار آماری EViews استفاده و فرضیه های پژوهش، مورد تجزیه و تحلیل نهایی قرار خواهند گرفت.

روش گردآوری داده ها و اطلاعات

در این پژوهش اطلاعات و داده های مورد نیاز مربوط به ادبیات پژوهش و مبانی نظری از منابع کتابخانه ای و پایگاه های علمی و مقالات داخلی و خارجی استخراج می شود. برای گردآوری داده های پژوهش نیز از بانک های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اطلاعاتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس، سایت شرکت مدیریت فناوری بورس تهران، سایت کدال، بانک های اطلاعاتی نرم افزارهای تدبیر پرداز و ره آورد نوین، همچنین گزارش های هفتگی و صورت های مالی شرکتها حسب مورد استفاده می شود.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی و تجزیه و تحلیل آن

در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از شاخص های مرکزی چون میانگین و شاخص های پراکنندگی انحراف معیار، چولگی و کشیدگی انجام پذیرفته است. خلاصه وضعیت آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش پس از غربالگری و حذف داده های پرت به کمک نرم افزار SPSS در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	چولگی	کشیدگی
اقلام تعهدی اختیاری (DAC)	۹۱۱	-۰/۰۰۶۵	۰/۸۸۲۴	-۱/۷۷۸۴	۱/۸۰۸۷	۰/۰۸۶	۲/۱۴۲
حقوق صاحبان سهام با ارزشگذاری بالا (HV_{t-1})	۹۱۱	۰/۱۹۹۷	۰/۴۰۰۰	۰	۱	۱/۵۰۱	۳/۲۵۵
دروه تصدی بالای حسابرسی (TEN_{t-1})	۹۱۱	۰/۴۸۷۳	۰/۵۰۰۱	۰	۱	۰/۰۵۰	۱/۰۰۲
بزرگ بودن موسسه حسابرسی (Big_{t-1})	۹۱۱	۰/۲۴۳۶	۰/۴۲۹۵	۰	۱	۰/۵۸۳	۱/۳۴۰
مجموع اقلام تعهدی (ACRL)	۹۱۱	-۰/۰۰۱۸	۰/۱۵۴۲	-۰/۵۵۵۹	۰/۷۹۷۴	۰/۴۵۷	۵/۴۴۹
اندازه شرکت ($LnASSET$)	۹۱۱	۱۳/۷۰۹	۱/۵۳۷۴	۱۰/۰۳۱	۱۸/۸۱۷	۰/۹۱۳	۴/۱۷۹
اهرم مالی (LEV)	۹۱۱	۰/۰۹۴۱	۰/۱۰۶۷	۰/۰۰۰۰	۰/۸۷۲۷	۲/۹۳۷	۱۵/۴۴۸
جریان های نقدی عملیاتی (OCF)	۹۱۱	۰/۱۵۰۸	۰/۱۶۱۰	-۰/۴۰۸۸	۰/۷۸۴۹	۰/۷۰۷	۴/۴۶۷
بازده دارایی ها (ROA)	۹۱۱	۰/۱۴۸۹	۰/۱۶۴۱	-۰/۲۶۱۶	۰/۹۳۳۹	۱/۲۰۶	۵/۴۷۲

با توجه به جدول ۱، متوسط اقلام تعهدی اختیاری شرکتهای نمونه اندازه گیری شده که با استفاده از مدل تعدیل شده جونز برابر با $-۰/۰۰۶۵$ بوده و کمترین و بیشترین میزان آن به ترتیب برابر با $-۱/۷۷۸۴$ و $۱/۸۰۸۷$ می باشد. بررسی چولگی و کشیدگی این متغیر حاکی از آن است که داده های اقلام تعهدی اختیاری شرکتهای از توزیع نرمال برخوردار نمی باشد ولی توزیع آن نزدیک به توزیع نرمال است. بطوری که چولگی آن برابر با $۰/۰۸۶$ و کشیدگی آن برابر با $۲/۱۴۲$ می باشد.

با توجه به آمار توصیفی بدست آمده در $۱۹/۹۷$ درصد از مشاهدات نسبت قیمت به سود هر سهم در سطوح بالایی قرار داشته و می توان گفت حقوق صاحبان سهام این شرکتهای، بالا ارزش گذاری شده است. همچنین دوره تصدی حسابرسی در $۴۸/۷۳$ درصد از

مشاهدات بیشتر از ۴ سال بوده و ۶۳/۹۹ درصد از حسابرسی آنها توسط موسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار گروه الف صورت گرفته است. در خصوص متغیرهای کنترلی نیز میانگین اندازه شرکتهای نمونه اندازه گیری شده که با استفاده از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی شرکتهای برابر با ۱۳/۷۰۹ بوده و متوسط مجموع ارقام تعهدی آنها ۰/۰۰۱۸- می باشد. همچنین میانگین نسبت بدهی های بلند مدت شرکتهای نمونه به جمع کل دارایی های آنها که معیاری از اهرم مالی شرکتهای می باشد برابر با ۹/۴ درصد بوده و متوسط جریان های نقدی عملیاتی و نرخ بازده دارایی های آنها به ترتیب ۱۵/۰۸ درصد و ۱۴/۸۹ درصد می باشد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

در فرضیه اول پژوهش، رابطه تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکتهای دارای حقوق صاحبان سهام با ارزش بالا، از منظر بزرگ بودن موسسه حسابرسی مورد بررسی واقع شده و فرضیه آماری آن به صورت زیر قابل تدوین است:

H_0 : در شرکتهای دارای ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، اندازه رابطه معکوس ارقام تعهدی اختیاری با بزرگ بودن موسسه حسابرسی کاهش نمی یابد.

H_1 : در شرکتهای دارای ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، اندازه رابطه معکوس ارقام تعهدی اختیاری با بزرگ بودن موسسه حسابرسی کاهش می یابد.

آزمون این فرضیه با استفاده از مدل رگرسیونی زیر و روش داده های پانل برآورد شده است:

$$TAC_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 LnASSET_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 OCF_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \alpha_6 BIG_{it-1} + \alpha_7 HV_{it-1} + \alpha_8 BIG*HV_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

در این مدل برای آزمون کارآمدی استفاده از روش داده های پانل از آزمون F لیمر و از آزمون هاسمن استفاده شده است تا مشخص شود که کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) برای برآورد مناسب تر است. نتایج حاصل از این آزمون ها در جدول شماره ۲ آمده است.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون F لیمر، از آنجایی که مقدار P-Value این آزمون کمتر از ۰/۰۵ می باشد، همسانی عرض از مبداءها رد شده و لازم است در برآورد مدل از

روش داده‌های پانل استفاده شود. همچنین با توجه به نتایج حاصل از آزمون هاسمن، از آنجایی که مقدار P-Value این آزمون نیز کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد در برآورد باید روش اثرات ثابت بکار برده شود. در جدول شماره ۳ نتایج حاصل از برآورد مدل فرضیه اول ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج انتخاب الگو برای برآورد مدل فرضیه اول

نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	P-Value
آزمون F لیمر	F	۲/۸۹۲	(۷۲۳،۱۸۳)	۰/۰۰۰۰
آزمون هاسمن	χ^2	۵۲۱/۹۴۸	۷	۰/۰۰۰۰

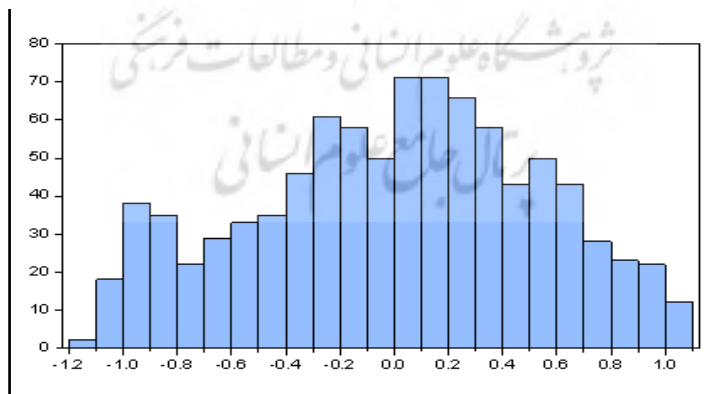
در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره F از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بودن کلی مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز گویای آن است که ۶۲/۵۵ درصد از تغییرات اقلام تعهدی اختیاری شرکتها توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون جارکوا - برا گویای آن است که باقیمانده های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند بطوری که مقدار احتمال (P-VALUE) مربوط به این آزمون کوچکتر از ۰/۰۵ است. در این ارتباط، با توجه به تعداد بالای مشاهدات و قضیه حد مرکزی می‌توان از نرمال بودن توزیع باقیمانده ها چشم پوشی کرد. ضمن این که بررسی توزیع باقیمانده ها (نمودار ۴-۲) نشان دهنده نزدیک بودن توزیع آن ها به توزیع نرمال می‌باشد.

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره F از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد (۰/۰۰۰۰) با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بودن کلی مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز گویای آن است که ۶۲/۵۵ درصد از تغییرات اقلام تعهدی اختیاری شرکتها توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون جارکوا - برا گویای آن است که باقیمانده های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند بطوری که مقدار احتمال (P-VALUE) مربوط به این آزمون کوچکتر از ۰/۰۵ است. در این ارتباط با توجه به تعداد بالای مشاهدات و قضیه حد

مرکزی می توان از نرمال نبودن توزیع باقیمانده ها چشم پوشی کرد. ضمن این که بررسی توزیع باقی مانده ها (نمودار ۱) نشان دهنده نزدیک بودن توزیع آنها به توزیع نرمال است.

جدول ۳. نتایج برآورد مدل فرضیه اول پژوهش

متغیر وابسته: اقلام تعهدی اختیاری تعداد مشاهدات: ۹۱۴ سال - شرکت				
متغیر	ضریب	آماره t	P-Value	VIF
ضریب ثابت	۰/۴۲۴۷	۰/۴۹۱	۰/۶۲۳۱	-
اندازه شرکت	-۰/۰۲۹۹	-۰/۴۶۱	۰/۶۴۴۳	۱/۰۸۳
اهرم مالی	۰/۱۸۲۴	۱/۵۸۷	۰/۱۱۲۸	۱/۰۳۹
جریان های نقدی عملیاتی	-۵/۶۸۳۵	-۱۶/۱۳۴	۰/۰۰۰۰	۱/۳۵۰
نرخ بازده دارایی ها	۵/۲۲۶۷	۱۵/۶۵۹	۰/۰۰۰۰	۱/۳۹۲
بزرگ بودن مؤسسه حسابداری	۰/۰۸۴۸	۱/۷۶۹	۰/۰۷۷۳	۱/۳۵۲
حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا	-۰/۱۱۵۷	-۱/۰۵۲	۰/۲۹۲۷	۲/۴۰۲
بزرگ بودن مؤسسه حسابداری × حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا	۰/۰۲۸۷	۰/۳۵۸	۰/۷۱۹۸	۲/۵۶۰
ضریب تعیین تعدیل شده مدل ۰/۶۲۸۵				
آماره F مدل (P-Value)	۹/۰۲۶ (۰/۰۰۰۰)	آماره Jarque-Bera (P-Value)	۲۵/۸۲۰ (۰/۰۰۰۰)	
آماره Breusch-Pagan (P-Value)	۵/۳۰۷ (۰/۰۰۰۰)	آماره دوربین واتسن	۲/۲۰۱	



نمودار ۱- توزیع باقی مانده های مدل فرضیه اول پژوهش

در خصوص بررسی همسانی واریانس باقیمانده ها با توجه به این که مقدار احتمال (P - $VALUE$) مربوط به آزمون برش-پاگان کمتر از $0/05$ می باشد ($0/0000$) ناهمسانی واریانس باقیمانده‌های مدل تأیید می شود. در این مطالعه، برای رفع این مشکل در برآورد بجای روش حداقل مربعات معمولی از روش حداقل مربعات تعمیم یافته بهره گرفته شده و به ضرایب مدل توسط نرم افزار آماری وزن مناسب داده شده است. علاوه بر این از آنجایی که مقدار آماره دورین واتسن عدد $1/5$ و $2/5$ می باشد ($2/225$) لذا استقلال باقی-مانده‌های مدل نیز تأیید می‌شود. در خصوص همخطی میان متغیرهای مدل نیز از آنجایی که مقدار آماره VIF برای تمام متغیرها کمتر از 5 بوده و نزدیک به عدد یک می باشد همخطی زیادی میان آن‌ها وجود نداشته و این فرض از مفروضات رگرسیون کلاسیک نیز تأیید می شود.

تفسیر نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش

بر اساس نتایج ارائه شده در نگاره ۴-۶، به رغم منفی بودن ضریب متغیر «حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا» و مثبت بودن ضریب متغیر «بزرگ بودن مؤسسه حسابرسی \times حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا»، سطح معنی داری (P -Value) آماره t مربوط به متغیر «بزرگ بودن مؤسسه حسابرسی \times حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا» بزرگتر از $0/05$ می باشد ($0/7198$). از این رو می توان گفت در شرکتهای دارای ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، اندازه رابطه معکوس ارقام تعهدی اختیاری با بزرگ بودن مؤسسه حسابرسی کاهش معنی داری نمی یابد. بنابراین در سطح اطمینان 95 درصد فرضیه اول پژوهش رد شده و گویای آن است که کیفیت حسابرسی در سطح بزرگ بودن مؤسسه، انگیزه‌های مرتبط با تغییر ارقام تعهدی در شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام را کم نمی کند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

در فرضیه دوم پژوهش، رابطه تأثیر کیفیت حسابرسی بر ارقام تعهدی اختیاری شرکتهای دارای حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا، از منظر طولانی بودن دوره تصدی حسابررس مورد بررسی واقع شده و فرضیه آماری آن به صورت زیر قابل تدوین است:

H_0 : در شرکتهای دارای ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، اندازه رابطه معکوس ارقام تعهدی اختیاری با طولانی بودن دوره تصدی مؤسسه حسابرسی کاهش نمی یابد.

H_1 : در شرکتهای دارای ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، اندازه رابطه معکوس ارقام تعهدی اختیاری با طولانی بودن دوره تصدی مؤسسه حسابرسی کاهش می یابد.

برای آزمون این فرضیه از مدل زیر بهره گرفته شده است که مدل رگرسیونی بوده و با استفاده از روش داده های پانل برآورد خواهد شد:

$$TAC_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 LnASSET_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 OCF_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \alpha_6 TEN_{it-1} + \alpha_7 HV_{it-1} + \alpha_8 TEN^*HV_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

در این مدل برای این که بتوان مشخص نمود آیا استفاده از روش داده های پانل در برآورد مدل کارآمد خواهد بود یا نه از آزمون F لیمر و به منظور تعیین این که کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) برای برآورد مناسب تر است از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون ها در جدول شماره ۴ آمده است.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون F لیمر، از آنجایی که مقدار P-Value این آزمون کمتر از ۰/۰۵ می باشد، همسانی عرض از مبداها رد شده و لازم است در برآورد مدل از روش داده های پانل استفاده شود. همچنین با توجه به نتایج حاصل از آزمون هاسمن، از آنجایی که مقدار P-Value این آزمون نیز کمتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین در برآورد باید روش اثرات ثابت بکار برده شود. در نگاره ۵ نتایج حاصل از برآورد مدل فرضیه دوم ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج انتخاب الگو برای برآورد مدل فرضیه دوم پژوهش

نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	P-Value
آزمون F لیمر	F	۲/۸۹۷	(۷۲۳،۱۸۳)	۰/۰۰۰۰
آزمون هاسمن	χ^2	۵۱۷/۸۰۰	۷	۰/۰۰۰۰

با توجه به نتایج حاصل از آزمون F لیمر، از آنجایی که مقدار P-Value این آزمون کمتر از ۰/۰۵ می باشد، هم سانی عرض از مبداها رد شده و لازم است در برآورد مدل از

روش داده‌های پانل استفاده شود. همچنین با توجه به نتایج حاصل از آزمون هاسمن، از آنجایی که مقدار *P-Value* این آزمون نیز کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین در برآورد باید روش اثرات ثابت بکار برده شود. در نگاره ۵ نتایج حاصل از برآورد مدل فرضیه دوم ارائه شده است.

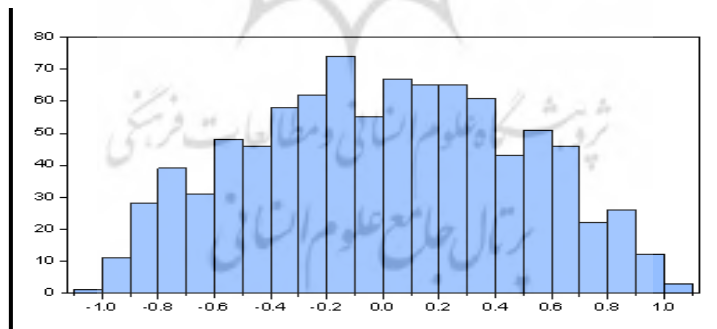
در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال (*P-VALUE*) آماره *F* از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بودن کلی مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز گویای آن است که ۶۲/۶۹ درصد از تغییرات اقلام تعهدی اختیاری شرکتها توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود.

همچنین در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون جارکوا - برا، گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند بطوری که مقدار احتمال (*P-VALUE*) مربوط به این آزمون کوچکتر از ۰/۰۵ است. در این ارتباط، با توجه به تعداد بالای مشاهدات و قضیه حد مرکزی می‌توان از نرمال نبودن توزیع باقیمانده‌ها چشم پوشی کرد. ضمن این که بررسی توزیع باقیمانده‌ها (نمودار ۲) نشان دهنده نزدیک بودن توزیع آن‌ها به توزیع نرمال می‌باشد.

همچنین در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون جارکوا - برا، گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند بطوری که مقدار احتمال (*P-VALUE*) مربوط به این آزمون کوچکتر از ۰/۰۵ است. در این ارتباط، با توجه به تعداد بالای مشاهدات و قضیه حد مرکزی می‌توان از نرمال نبودن توزیع باقیمانده‌ها چشم پوشی کرد. ضمن این که بررسی توزیع باقیمانده‌ها (نمودار ۲) نشان دهنده نزدیک بودن توزیع آن‌ها به توزیع نرمال است.

جدول ۵. نتایج برآورد مدل فرضیه دوم پژوهش

متغیر وابسته: ارقام تعهدی اختیاری تعداد مشاهدات: ۹۱۴ سال - شرکت				
متغیر	ضریب	آماره t	P-Value	VIF
ضریب ثابت	۰/۴۵۰۲	۰/۵۱۱	۰/۶۰۸۹	-
اندازه شرکت	-۰/۰۲۴۸	-۰/۳۸۱	۰/۷۰۳۳	۱/۰۷۵
اهر مالی	۰/۲۳۰۷	۱/۸۹۷	۰/۰۵۸۲	۱/۰۴۱
جریان های نقدی عملیاتی	-۵/۶۸۳۵	-۱۵/۴۱۷	۰/۰۰۰۰	۱/۳۵۱
نرخ بازده دارایی ها	۵/۲۱۴۱	۱۵/۶۲۷	۰/۰۰۰۰	۱/۴۰۶
طولانی بودن دوره تصدی حسابرس	-۰/۰۸۹۰	-۸/۰۴۸	۰/۰۰۰۰	۱/۳۰۸
حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا	-۰/۲۰۵۹	-۲/۳۹۲	۰/۰۱۷۰	۱/۹۶۹
طولانی بودن دوره تصدی حسابرس × حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا	۰/۲۱۱۵	۴/۳۸۴	۰/۰۰۰۰	۲/۱۶۸
ضریب تعیین تعدیل شده مدل ۰/۶۲۶۹				
آماره F مدل (P-Value)	۹/۰۷۶ (۰/۰۰۰۰)	آماره Jarque- Bera (P-Value)	۲۵/۱۰۱ (۰/۰۰۰۰)	
آماره Breusch-Pagan (P-Value)	۵/۰۷۶ (۰/۰۰۰۰)	آماره دوربین واتسن	۲/۲۰۶	



نمودار ۲- توزیع باقیمانده های مدل فرضیه دوم پژوهش

در خصوص بررسی همسانی واریانس باقیمانده ها با توجه به این که مقدار احتمال (P - $VALUE$) مربوط به آزمون برش- پاگان کمتر از ۰/۰۵ می باشد ناهمسانی واریانس

باقی مانده‌های مدل تأیید می شود. در این مطالعه، برای رفع این مشکل در برآورد به جای روش حداقل مربعات معمولی از روش حداقل مربعات تعمیم یافته بهره گرفته شده و به ضرایب مدل توسط نرم افزار آماری وزن مناسب داده شده است. علاوه بر این از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسن مابین عدد $1/5$ و $2/5$ می باشد ($2/206$) لذا استقلال باقیمانده‌های مدل نیز تأیید می شود.

در خصوص هم خطی میان متغیرهای مدل نیز از آنجایی که مقدار آماره VIF برای تمام متغیرها کمتر از ۵ بوده و نزدیک به عدد یک می باشد می توان گفت هم خطی شدیدی میان آنها وجود نداشته و این فرض از مفروضات رگرسیون کلاسیک نیز تأیید می شود.

تفسیر نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش

بر اساس نتایج ارائه شده در نگاره ۴-۸، سطح معنی داری (*P-Value*) آماره *t* مربوط به متغیر «دوره تصدی مؤسسه حسابرسی × حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا» کوچکتر از $0/05$ بوده ($0/0000$) و ضریب آن مثبت می باشد ($0/2115$). در این ارتباط با توجه به منفی بودن ضریب متغیر «حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا» و نظر به این که با اضافه شدن متغیر طولانی بودن دوره تصدی حسابرسی به عنوان معیاری از کیفیت حسابرسی به آن، ضریب به مثبت تغییر علامت می دهد می توان نتیجه گرفت در شرکتهای دارای ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، اندازه رابطه معکوس اقلام تعهدی اختیاری با طولانی بودن دوره تصدی حسابرسی کاهش می یابد. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه دوم تحقیق تأیید شده و گویای آن است که کیفیت حسابرسی در سطح طولانی بودن دوره تصدی حسابرسی، انگیزه های مرتبط با تغییر اقلام تعهدی در شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام را کم می کند.

نتیجه گیری

فرضیه اول

نتایج آزمون های فرضیه اول حاکی از این است که بین اندازه موسسه حسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، رابطه معنا داری

وجود ندارد و این ارتباط با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده در هر دو مدل حدود ۶۲ درصد است.

* اگر مشتریان دارای ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام باشند، اندازه رابطه معکوس میان ارقام تعهدی اختیاری مشتریان موسسات حسابرسی بزرگ و سایر موسسات حسابرسی، کاهش می یابد.

بر اساس نتایج ارائه شده، بزرگ بودن مؤسسه حسابرسی و حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا، دارای رابطه معناداری نمی باشد. در این ارتباط، می توان نتیجه گرفت در شرکتهای دارای ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، اندازه رابطه معکوس ارقام تعهدی اختیاری با بزرگ بودن مؤسسه حسابرسی کاهش نمی یابد. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه اول پژوهش تأیید نشده و گویای آن است که کیفیت حسابرسی در سطح بزرگ بودن مؤسسه، انگیزه های مرتبط با تغییر ارقام تعهدی در شرکت های با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام را کاهش نمی دهد.

نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه اول با نتایج پژوهش های پیشین (هومس و همکاران، ۲۰۱۳؛ فنگ و لیو، ۲۰۱۲؛ رینالدز و فرانسیس، ۲۰۰۰) همسو نمی باشد و این می تواند به این دلیل باشد که در پژوهش های خارجی، چهار و شش مؤسسه حسابرسی به عنوان معیار موسسات حسابرسی بزرگ قرار می گیرد. همچنین به دلیل تعداد اندک پژوهش های مرتبط داخلی در مورد شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، با فاکتور گرفتن از متغیر حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش (ایزدی نیا و میرزایی، ۱۳۹۴) و همسو با نتایج پژوهش (حدادی و همکاران، ۱۳۹۲؛ بنی مهد و جعفری معافی، ۱۳۹۲؛ نونهال نهر و همکاران، ۱۳۸۹؛ ابراهیمی و سیدی، ۱۳۸۷) همسو نمی باشد.

فرضیه دوم

* اگر مشتریان دارای ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام باشند، اندازه رابطه معکوس میان ارقام تعهدی اختیاری مشتریان در موسسات حسابرسی با دوره تصدی طولانی تر و ارقام تعهدی اختیاری مشتریان با دوره تصدی کوتاه تر، کاهش می یابد. بر اساس نتایج بدست آمده، بین دوره تصدی مؤسسه حسابرسی و حقوق صاحبان سهام با ارزش گذاری بالا، رابطه معناداری دارد. در این ارتباط، می توان نتیجه گرفت در

شرکتهای دارای ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام، اندازه رابطه معکوس اقلام تعهدی اختیاری با طولانی بودن دوره تصدی حسابرس کاهش می یابد. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه دوم پژوهش تأیید شده و گویای آن است که کیفیت حسابرسی در سطح طولانی بودن دوره تصدی حسابرس، انگیزه های مرتبط با تغییر اقلام تعهدی در شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام را کم می کند.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه دوم با نتایج پژوهش های پیشین (مایرز و همکاران، ۲۰۰۳؛ دیدار و همکاران، ۱۳۹۱؛ حدادی و همکاران، ۱۳۹۲؛ نونهال نهر و همکاران، ۱۳۸۹) همسو بوده و با نتایج پژوهش های (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱، ایزدی نیا و میرزایی، ۱۳۹۴ و هومس و همکاران؛ ۲۰۱۳) با نتایج فرضیه دوم پژوهش ناهمسو بوده است.

محدودیت پژوهش

طبق دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۰، موسسات حسابرسی معتمد به چهار دسته رتبه بندی می شوند که هر ساله این رتبه بندی از طریق تارنمای سازمان بورس و اوراق بهادار منتشر می شود. به همین منظور، دسترسی به اطلاعات رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد مربوط به سال های گذشته میسر نبوده و به همین جهت، برای تعیین اندازه موسسات حسابرسی و انتخاب نمونه از رتبه بندی موسسات حسابرسی معتمد مربوط به سال ۱۳۹۳ استفاده گردیده است.

پیشنهاد های پژوهش

پیشنهاد های کاربردی

در این پژوهش، روابط معیارهای کیفیت حسابرسی و شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام بررسی گردید. با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش پیشنهاد می گردد:

✓ شرکای موسسات حسابرسی معتمد بورس اوراق بهادار در زمان پذیرش شرکتهای عضو بورس با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام می توانند به این نکته توجه داشته باشند که با افزایش دوره تصدی در آن شرکتهای، کیفیت حسابرسی را افزایش دهند.

✓ مجامع عمومی شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام می توانند با انتخاب مکرر موسسات حسابرسی با کیفیت، قابلیت اتکای صورتهای مالی حسابرسی شده را افزایش دهند.

پیشنهادهایی برای پژوهش های آتی

از آنجایی که بررسی روابط و موضوعات مختلف در مورد ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام در ایران بسیار اندک بوده با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهادهای زیر برای پژوهش های آتی ضروری به نظر می رسد.

- ۱) بررسی رابطه سایر معیار های کیفیت حسابرسی مانند حسابرسی صنعت خاص و اقلام تعهدی اختیاری شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام.
- ۲) بررسی رابطه نوع گزارش حسابرسی و ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام.
- ۳) بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی در کیفیت حسابرسی شرکتهای با ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام.

منابع

- آذر، عادل. منصور مومنی (۱۳۸۹). *آمار و کاربرد آن در مدیریت*، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات سمت.
- ابراهیمی کردلر، علی، و سیدی، سیدعزیز (۱۳۸۷). نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری. *مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۵۴ (۱۵)، ۳-۱۶.
- اسدی، مرتضی. دارابی، مجید (۱۳۹۱). کیفیت حسابرسی. *مجله حسابرس*، ۶۲، ۱-۶.
- ایزدی‌نیا، ناصر و میرزایی، مهدی (۱۳۹۴). تأثیر ارزش گذاری بالای سهام بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۴۵، ۷۳-۹۶.
- بنی مهد، بهمن، و جعفری معافی، رضا (۱۳۹۲). کیفیت اقلام تعهدی و انتخاب حسابرس. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۳۸، ۸۱-۹۸.
- دیدار، حمزه، منصورفر، غلامرضا، و پرویزی راحت، محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی اثر میانجی کیفیت حسابرسی در رابطه بین مشکلات نمایندگی و کیفیت گزارشگری مالی. *فصلنامه دانش حسابداری مالی*، ۴ (۶)، ۱۱۵-۱۳۳.
- حساس یگانه، یحیی، آذین فر، کاوه (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی. *مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۱۷ (۶۱)، ۸۵-۹۸.
- حدادی، محمد حسن، و فلاحی، خدیجه، و منصوری، علی (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی. دانشگاه الزهرا. دهمین همایش ملی حسابداری ایران.
- کریمی پور، فرهاد (۱۳۸۸). بررسی رابطه ارزش ذاتی سهام با بازده سهام در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری*. دانشگاه فردوسی مشهد.
- سجادی، سیدحسین. عربی، مهدی (۱۳۹۰). تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود. *مجله حسابدار رسمی*، ۶ (۱۲)، ۱۰۴-۱۰۸.
- مهرانی، ساسان و همکاران (۱۳۹۲). نقش ویژگی های حسابرس در کیفیت سود. *مجله پژوهش های حسابداری مالی*، ۲ (۱۶)، ۹۸-۱۰۸.

نونهال نهر، علی اکبر. جبارزاده کنگرلویی، سعید. یعقوب پور، کریم (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی. *مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۶۱، ۵۵-۷۰.

ودیعی، محمدحسین. عظیمی فر، فرهاد (۱۳۹۱). ارزش گذاری بالای حقوق صاحبان سهام و ارتباط آن با اقلام تعهدی اختیاری. *مجله پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز*، ۴(۲)، ۱۷۹-۲۰۳.

American Accounting Association. (1973). *Studies in Accounting Research #6: A Statement of Basic Auditing Concepts*. Sarasota: American Accounting Association.

Antle, R. Nalebuff, B., (1991), Conservatism and auditor-client negotiations, *Journal of Accounting Research*, Vol. 29, pp. 31-54.

Azibi, J., Tondeur, H., Rajhi, M., (2010). Auditor choice and institutional investor characteristics after the Enron scandal in the French context, *Crisis et nouvelles problématiques de la Valeur*, Vol.

Becker, C.L., Defond, M.L., Jiambalvo, J. and Subramanyam, K.R., (1998), The effect of audit quality on earnings management, *Contemporary Accounting Research*, vol. 15,

Barton, J. J., Simko. P. J. (2002). The balance sheet as an earnings management constraint. *The Accounting Review (Supplement)*: 1-27.

Chen, C. Xijia, S. Xi, W., (2010). Auditor Changes Following a Big 4 Merger with a Local Chinese Firm: A Case Study. *Auditing*. Vol. 29, no. 1, pp. 32-41.

Chi, J.D. and Gupta, M., (2009), Overvaluation and earnings management, *Journal of Banking & Finance*, vol. 33, pp. 1652-1663.

DeAngelo. (1981), Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, vol. 3, no. 3, pp. 183-189.

Feng, W. Liu, X., (2012). Urban Income Inequality, Time and Income Sources Analyses in China. *Journal of European Economy*, Vol. 11, pp. 496-506.

Frankel, R.M., Johnson, M.F., and Nelson, K.K. 2002. The relation between auditor's fees for nonaudit services and earnings management. *The Accounting Review (Supplement)*: Vol. 77, 71-106.

Houmes, R. Foley, M. Cebula, R.J. (2013). Audit quality and overvalued equity. *Accounting Research Journal*. Vol.1, no.1, pp. 56-74.

- Houmes, R. Skantz, T., (2010). Discretionary accruals and highly valued equity. *Journal of Business Finance & Accounting*, vol. 37, pp. 60-92.
- Jensen, M.C. Meckling W.H., (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure, *Journal of Financial Economics*. 3, 305-360.
- Jensen, M., (2005), Agency costs of highly valued equity, *Financial Management*. vol. 34, pp. 5-20.
- Matsumoto, D. A. (2002). Management's incentives to avoid negative earnings surprises. *The Accounting Review*. 77. 483-514.
- Myers, J.M. & Miller, M.H. (2003) what is the intrinsic value of the Dow? *Journal of business*, 34, 411-413.
- Reynolds, J. K. Francis, J. R., (2000). Does size matter? The influence of large clients on offi□□level auditor-reporting decisions. *Journal of Accounting and Economics*, vol. 30, 375-400.
- Wallace, W.A. (1980). The Economic Role of the Audit in Free and Regulated Markets. Touche Ross & Co. Aid to Education Program.
- Watts, R. and J, Zimmerman. (1986). Positive Accounting Theory, Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall,
- Yuniarti, R., (2011). Audit firm size, audit fee and audit quality. *Journal of global management*, 2(1), 84-97.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی